

# Information Science Professionals and The War of Narratives

Fariborz Khosravi<sup>1</sup>



## Abstract

In an era where battles are no longer fought solely on military fronts- where the mind, perception, and collective memory have become arenas of conflict- the "war of narratives" stands as one of the most critical challenges facing contemporary societies. Drawing on professional experience and examples from contemporary conflicts, this editorial demonstrates how narratives can shape, distort, or override our perception of reality. In such a context, librarians and information science professionals are not marginal bystanders. By safeguarding informational accuracy, promoting information literacy, contextualizing data, preserving collective memory, developing web archives, designing retrieval systems, and adhering to professional ethics, they play a fundamental role in fostering informed judgment within society. The core message of this editorial is that the engagement of librarians and information science professionals in the discourse on narrative wars does not represent a departure from their professional domain. Rather, it is an integral part of their professional responsibility in a world where narratives conquer minds.

**Article Type:** Editorial

**Article history:**

Received: 10 May 2026

Available online: 12 May 2026

1. Associate Professor,  
Knowledge and Information  
Science, National Library  
and Archives of Iran, Tehran.  
Iran;  
fa.khosravi@gmail.com

## Keywords

Web Archiving, Disinformation and Misinformation, Information Literacy, Information Science Professionals, War of Narratives

**Citation:** Khosravi, F. (2026). Information Science Professionals and the War of Narratives, *Librarianship and Information Organization Studies*, 37(1), 7-16.

Doi: 10.30484/nastinfo.2026.4108.2399



**Publisher:** National Library  
and Archives of I.R. of Iran  
© The Author.

## جنگ روایت‌ها<sup>۱</sup> و متخصصان علم اطلاعات

فریبرز خسروی<sup>۱</sup>

### چکیده

در روزگاری که نبردها تنها در میدان نظامی رخ نمی‌دهند و ذهن، ادراک و حافظه جمعی نیز به میدان منازعه تبدیل شده‌اند، جنگ روایت‌ها یکی از مهم‌ترین چالش‌های جوامع معاصر است. این سرمقاله با تکیه بر تجربه‌ای حرفه‌ای و نمونه‌هایی از جنگ‌های معاصر نشان می‌دهد که روایت‌ها چگونه می‌توانند تصویر ما از واقعیت را شکل دهند، تحریف کنند یا بر آن غلبه یابند. در چنین وضعیتی، کتابداران و متخصصان علم اطلاعات تماشاگران حاشیه‌ای نیستند؛ آنان با پاسداری از صحت اطلاعات، ارتقای سواد اطلاعاتی، زمینه‌مند کردن داده‌ها، حفظ حافظه جمعی، توسعه آرشیو وب، طراحی نظام‌های بازیابی و پایبندی به اخلاق حرفه‌ای، نقشی بنیادین در پدیدآوردن توان داور آگاهانه در جامعه را دارند. پیام اصلی این سرمقاله آن است که ورود کتابداران و متخصصان علم اطلاعات به بحث جنگ روایت‌ها، خروج از قلمرو حرفه‌ای آنان نیست، بلکه بخشی از مسئولیت امروز این حرفه در جهانی است که روایت‌ها ذهن‌ها را فتح می‌کنند.

۱. دانشیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی،  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران،  
تهران، ایران؛  
fa.khosravi@gmail.com

<sup>1</sup> Narrative Warfare

نوع مقاله: سرمقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۰

دریافت انتشار: ۱۴۰۵/۰۲/۲۲

فصلنامه مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ۳۷ (۱)، بهار ۱۴۰۵



ناشر: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
© نویسنده

### کلیدواژه‌ها

آرشیو وب، جنگ روایت‌ها، دژاطلاعات و کژاطلاعات، متخصصان علم اطلاعات، سواد اطلاعاتی

استناد: خسروی، فریبرز (۱۴۰۵). جنگ روایت‌ها و متخصصان علم اطلاعات، مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ۳۷ (۱)، ۱۶-۷.

## سرمقاله

در جنگ‌های مدرن امروزی، نبرد فقط در میدان نظامی رخ نمی‌دهد، بلکه در میدان «ادراک» و معنا نیز جریان دارد. در چنین میدانی، متخصصان علم اطلاعات نیز، خواه‌ناخواه، با روایت‌ها و چگونگی شکل‌گیری تصویرها در ذهن مخاطبان سروکار دارند.

در سال ۱۳۷۶، به نمایندگی از کتابخانه ملی ایران در کنفرانس رؤسای کتابخانه‌های ملی در کپنهاک شرکت کردم؛ کنفرانسی که معمولاً هم‌زمان با ایفلا برگزار می‌شود. در آن جلسه، وقتی اعلام کردم که رئیس کتابخانه ملی کشورمان به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شده‌اند، همگی اظهار شادمانی کردند و تبریک گفتند و لابد به آینده خود امیدوار شدند!

پس از پایان جلسه، با چند نفر از شرکت‌کنندگان گفت‌وگویی دوستانه و غیررسمی داشتم. پرسش‌هایی که مطرح شد برایم بسیار معنادار بود: آیا در کشور شما بانوان حق بیرون آمدن از خانه و رانندگی دارند؟ آیا اگر به ایران سفر کنیم ممکن است در فرودگاه یا محل سکونت به ما حمله مسلحانه شود؟ آیا خوراکی و آب سالم یافت می‌شود؟ چون در جلسه گزارشی از ساخت ساختمان جدید کتابخانه ملی ارائه کرده بودم یکی دیگر پرسید: آیا ساخت ساختمانی صد هزار متری برای کتابخانه ملی ایران بلندپروازی و کار نمایشی نیست؟

این پرسش‌ها در حالی مطرح می‌شد که چهار نفر از شش نفر شرکت‌کننده از طرف کتابخانه ملی ایران در ایفلا آن سال، بانوان متخصصی بودند که اغلب در کمیته‌های اجلاس فعالیت داشتند. باین‌همه، تصویری که از ایران در ذهن اغلب آنان شکل گرفته بود، تصویر کشوری صحرايي، خشن، محروم، بی‌قانون و فاقد حداقل امکانات زندگی بود. اهمیت این

تجربه در همین بود: جنگ روایت‌ها فقط افکار عمومی عادی را هدف نمی‌گیرد؛ حتی نخبگان و مدیران نهادهای اطلاعاتی نیز می‌توانند در معرض روایت‌های غالب قرار گیرند. دو نفر از آن جمع، بعدها با دعوت کتابخانه و با هزینه خود، دو بار به ایران آمدند و از برداشت‌های قبلی خود نسبت به ایران نادم بودند. همین تجربه نشان داد که روایت‌های ساخته‌شده، اگر با مشاهده، گفت‌وگو و دسترسی به واقعیت سنجیده شوند، الزاماً پایدار نمی‌مانند؛ و درست در همین نقطه است که نقش متخصصان علم اطلاعات در جنگ روایت‌ها آغاز می‌شود.

تهاجم ۲۰۰۳ آمریکا به عراق نیز یکی از نمونه‌های کلاسیک جنگ روایت‌هاست. در آن زمان، روایتی که دولت ایالات متحده آمریکا و متحدانش برجسته کردند این بود که حکومت صدام حسین دارای سلاح‌های کشتار جمعی است؛ سلاح‌هایی که تهدیدی فوری برای امنیت جهانی به شمار می‌روند و بنابراین حمله پیش‌دستانه به عراق ضروری است. در مقابل، روایت بسیاری از بازرسان بین‌المللی، به‌ویژه در چهارچوب سازمان ملل متحد، این بود که شواهد قطعی از وجود سلاح‌های کشتار جمعی پیدا نشده و باید بازرسی‌ها ادامه یابد. اما روایت نخست، که از قدرت رسانه‌ای و سیاسی بیشتری برخوردار بود، غلبه یافت و مسیر تصمیم‌گیری را به سوی جنگ برد.

این نمونه‌ها نشان می‌دهند که در جنگ روایت‌ها، از یک واقعیت، روایت‌هایی متعارض ساخته می‌شود. این روایت‌ها، شاید به قول ژان بودریار<sup>۱</sup>، هیچ‌یک بیان کاملی از واقعیت، نبوده بلکه بازنمایی‌هایی از واقعیت‌اند؛ بازنمایی‌هایی که گاه از خود واقعیت اثرگذارتر و واقعی‌تر به نظر می‌رسند. همین اثرگذاری است که کانون‌های قدرت و ثروت را برای آفرینش روایت‌های دلخواه برمی‌انگیزاند.

جنگ روایت‌ها را می‌توان فرایند رقابت و تقابل میان روایت‌های مختلف برای شکل‌دهی به ادراک، معنا و قضاوت مخاطبان درباره یک واقعیت، رویداد یا پدیده دانست؛ فرایندی که با هدف اثرگذاری بر افکار عمومی، تصمیم‌گیری سیاسی و رفتار اجتماعی انجام می‌شود. این

<sup>۱</sup> Jean Baudrillard

مفهوم با جنگ اطلاعاتی و جنگ شناختی هم‌پوشانی دارد، اما تمرکزش صرفاً بر انتقال اطلاعات نیست، بلکه بر معناسازی است. در این جنگ، هدف اصلی نه فقط تصرف سرزمین، بلکه تصرف ذهن مخاطب و چهارچوب‌بندی<sup>۱</sup> واقعیت است.

به بیان ساده، در جنگ روایت‌ها اصل واقعه و پدیده بی‌اهمیت نیست، اما آنچه میدان اصلی نزاع را شکل می‌دهد، تصویری است که از آن واقعه در ذهن جامعه هدف ساخته می‌شود. از همین رو، متخصصان علم اطلاعات فقط با «داده» و «منبع» سروکار ندارند، بلکه با زمینه، اعتبار، دسترسی، سازماندهی و امکان داوری درباره روایت‌ها نیز روبه‌رو هستند. جنگ روایت‌ها بر چند اصل مهم استوار است:

نخست، اصل سادگی و تکرار. روایتی که بتواند در یک جمله، یک شعار یا یک تصویر خلاصه شود، شانس بیشتری برای ماندگاری دارد. تکرار مداوم نیز، حتی اگر درباره ادعایی نادرست باشد، به مرور آن را در ذهن مخاطب آشنا و گاه باورپذیر می‌کند. بودریار معتقد است رسانه‌ها با تولید انبوه نشانه‌ها و تصاویر، روایت‌هایی می‌سازند که نه تنها به واقعیت ارجاع نمی‌دهند، بلکه خود به «واقعیت» تبدیل می‌شوند!

مثال: در جنگ دوازده‌روزه، زندان اوین برخلاف اصول و مقررات بین‌المللی هدف حمله قرار گرفت که طی آن، بیش از ۷۰ نفر کشته و شمار زیادی زخمی شدند. به گزارش نیویورک‌تایمز، مقامات اسرائیلی این حمله را نمادین توصیف کردند و وزیر امور خارجه آن رژیم، آن را عملیات رهایی‌بخش نامید. تکرار چنین تعبیر ساده‌ای در رسانه‌های مختلف، تلاشی برای توجیه تجاوز و تغییر معنای واقعه در ذهن مخاطبان بود.

اصل دوم، دوگانه‌سازی و چهارچوب‌دهی است. جنگ روایت‌ها معمولاً فضای خاکستری و پیچیده را به دو قطب ساده تبدیل می‌کند: «ما» خوب، مظلوم و برحق هستیم و «آنان» بد، ظالم و ناحق.

نمونه روشن آن سخنرانی بوش در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۱، پس از واقعه ۱۱ سپتامبر بود که اعلام کرد کشورها یا با ما هستند یا با تروریست‌ها. چنین عبارتی عملاً جهان را به دو اردوگاه خیر و شر تقسیم کرد. در کنار آن، چهارچوب‌دهی نیز نقش تعیین‌کننده دارد. اینکه واقعه‌ای را

<sup>۱</sup> framing

«اعتراض مدنی» بنامیم یا «اغتشاش»، «دفاع مشروع» بدانیم یا «تجاوز»، هرکدام چهارچوب متفاوتی می‌سازد و مخاطب را به قضاوتی متفاوت سوق می‌دهد.

اصل سوم، بی‌اعتبار کردن منبع رقیب و واکنش نامتقارن است. در جنگ روایت‌ها، گاه مهم‌تر از اثبات درستی روایت خود، بی‌اعتبار کردن منبع روایت رقیب است. وقتی به فرد، رسانه یا جریان رقیب برچسب‌هایی مانند تندرو، سازشکار، جاعل، وابسته، پروپاگاندا یا جنگ‌افروز زده می‌شود، مخاطب پیش از آنکه محتوای سخن را بسنجد، نسبت به گوینده بدبین می‌شود. رقابت رسانه‌ای میان غرب و روسیه نمونه‌ای روشن از این وضعیت است؛ رسانه‌های غربی خبرگزاری‌های روسیه را پروپاگاندا می‌نامند و رسانه‌های روسی نیز شبکه‌های غربی را جنگ‌افروز و ابزار قدرت‌های غربی معرفی می‌کنند.

همین منطق در واکنش نامتقارن نیز دیده می‌شود. روایت‌گر نسبت به خطاهای رقیب بسیار حساس است، اما خطاهای مشابه در جبهه خودی را کوچک می‌شمارد یا توجیه می‌کند. در جنگ رمضان، حمله به دبستان میناب و کشته شدن ۱۶۸ دانش‌آموز مظلوم دبستانی، از سوی برخی محافل صرفاً اشتباهی تاکتیکی تلقی شد و اغلب کشورهای غربی حتی آن را محکوم نکردند. این همان حساسیت حداکثری نسبت به خطای رقیب و توجیه یا سکوت در برابر خطای خودی است.

اصل چهارم، هم‌نوایی رسانه‌ای و تقویت الگوریتمی است. یک روایت وقتی قدرتمند می‌شود که از منابع متعدد و ظاهراً مستقل، مانند شبکه‌های اجتماعی، خبرگزاری‌ها، تحلیلگران، سخنرانان و نهادهای رسمی، به‌طور هم‌زمان و هماهنگ پخش شود. در جنگ آمریکا علیه عراق، ادعای وجود سلاح‌های کشتار جمعی هم‌زمان از سوی مقامات رسمی، رسانه‌ها و تحلیلگران تکرار شد و همین هم‌نوایی رسانه‌ای آن را در ذهن بخش مهمی از افکار عمومی به‌صورت واقعیت تثبیت کرد. البته بعداً معلوم شد آن روایت نادرست بوده و سلاح کشتار جمعی هم یافت نشده است!

امروزه شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال این فرایند را سریع‌تر و پیچیده‌تر کرده‌اند. الگوریتم‌ها معمولاً آنچه را بیشتر دیده، پسندیده، باز نشر یا درباره‌اش جدل می‌شود تقویت می‌کنند؛ و همین امر، روایت‌های هیجانی را در موقعیتی برتر قرار می‌دهد. نمونه حریف‌های این مسئله را در نظام‌های جست‌وجو، پایگاه‌های اطلاعاتی و کتابخانه‌های دیجیتال نیز

می‌توان دید. اینکه یک منبع با چه کلیدواژه‌های نمایه شود، چه فراداده‌ای برای آن ثبت شود، در کدام رده قرار گیرد، در نتیجه جست‌وجو چگونه رتبه‌بندی شود و چه منابعی در کنار آن پیشنهاد شوند، همگی می‌توانند بر دیده شدن یا دیده نشدن یک روایت اثر بگذارند.

اصل پنجم، ابطال‌ناپذیری<sup>۱</sup> و ایمن‌سازی روایت است. روایت قدرتمند معمولاً به‌گونه‌ای ساخته می‌شود که به‌آسانی به خطا اعتراف نکند و رد تجربی آن دشوار باشد. در دوران جنگ سرد، در هر دو بلوک شرق و غرب، روایت‌هایی از این دست ساخته می‌شد. در بلوک شرق، هر ناکامی اقتصادی یا سیاسی به توطئه امپریالیسم نسبت داده می‌شد و در غرب نیز بسیاری از اقدامات طرف مقابل در چهارچوب گسترش اجتناب‌ناپذیر کمونیسم تفسیر می‌شد. در هر دو حالت، شواهد مخالف به‌جای ابطال روایت، درون همان روایت هضم می‌شد.

باوجود همه این اصول، باید توجه داشت که در جنگ روایت‌ها، حقیقت همیشه به‌خودی‌خود پیروز نمی‌شود. روایت پیروز الزاماً راست‌ترین روایت نیست، بلکه روایتی است که از نظر روانی، رسانه‌ای و اجتماعی قانع‌کننده‌تر عرضه شده باشد. بنابراین درک این اصول برای مصون ماندن از دستکاری روایی ضروری است.

### و اما نقش ما چیست؟

نقش متخصصان علم اطلاعات در جنگ روایت‌ها ظاهراً کمتر از نقش خبرنگاران، تحلیلگران سیاسی یا فعالان رسانه‌ای دیده می‌شود. واکنش بعضی کتابداران به سخن هفته لیزنا با عنوان «نبرد پنهان و متخصصان علم اطلاعات» نیز نشان داد که گاه با هرگونه ورود کتابداران به این مباحث مخالفت می‌شود؛ گویی جنگ روایت‌ها بیرون از قلمرو حرفه‌ای آنان است.

اما اگر جنگ روایت‌ها را نبرد بر سر معنا، تفسیر و چهارچوب‌بندی واقعیت بدانیم، ورود متخصصان علم اطلاعات به این عرصه نه امری حاشیه‌ای، بلکه بسیار زیربنایی و تعیین‌کننده است. کتابداران و متخصصان علم اطلاعات لزوماً روایت‌سازان سیاسی نیستند، اما می‌توانند مدیران دسترسی به معنا باشند؛ نه از آن جهت که معنا را برای مخاطب تعیین کنند، بلکه از آن جهت که امکان دسترسی به منابع معتبر، مقایسه روایت‌ها، فهم زمینه‌ها و سنجش اعتبار

<sup>1</sup> non-falsifiability

اطلاعات را برای جامعه فراهم می‌کنند.

نخستین نقش آنان پاسداری از صحت اطلاعات است. همان‌گونه که در یادداشت لیزنا درباره «نبرد پنهان» آورده‌ام، در روایت‌سازی از دژاطلاعات<sup>۱</sup> یعنی اطلاعات نادرستی که با هدف گمراه‌سازی، فریب و آسیب‌رسانی به مخاطبان تولید و منتشر می‌شوند؛ کژاطلاعات<sup>۲</sup> یعنی اطلاعات نادرستی که فرستنده آن بدون سوءنیت یا هدف خاصی آن را منتشر می‌کند؛ و اطلاعات درست با نیت تخریب<sup>۳</sup> یعنی اطلاعات درست اما گزینشی، تقطیع شده و جدا شده از زمینه. در چنین شرایطی، کتابداران می‌توانند منابع معتبر را شناسایی و معرفی کنند، به ارزیابی کیفیت اطلاعات کمک کنند و مسیر دسترسی به داده‌های قابل اعتماد را هموار سازند. این نقش، نوعی «فیلتر هوشمند» است؛ این کار به معنای سانسور نیست، بلکه به معنای کمک به تشخیص و ارزیابی آگاهانه اطلاعات است.

دوم، ارتقای سواد اطلاعاتی و ژئوپولیتیک اطلاعات است. سواد اطلاعاتی به افراد و جامعه کمک می‌کند تا با تفکر انتقادی، توانایی ارزیابی منابع، شناخت زمینه‌ها و تشخیص تحریف‌ها، در برابر دستکاری اطلاعات و روایت‌های جهت‌دار مقاوم‌تر شوند.

ژئوپولیتیک اطلاعات به فهم نقش اطلاعات در قدرت و روابط بین کشورها می‌پردازد و به افراد می‌آموزد که چگونه جریان اطلاعات، روایت‌ها و رسانه‌ها می‌توانند بر سیاست‌ها، امنیت و افکار عمومی جهان تأثیر بگذارند. تسلط بر ژئوپولیتیک اطلاعات، مانند داشتن نقشه و راهبرد در میدان جنگ روایت‌ها است و امکان تحلیل و پیش‌بینی انگیزه‌ها و تحرکات بازیگران بین‌المللی را فراهم می‌کند.

آموزش این مهارت‌ها در کتابخانه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و نهادهای عمومی، تنها فعالیت آموزشی عادی نیست، بلکه بخشی اساسی از توان دفاع شناختی جامعه محسوب می‌شود. سوم، بافتمند کردن و زمینه‌سازی اطلاعات است. روایت‌ها اغلب با حذف زمینه، جهت‌دار می‌شوند. یک جمله، تصویر، آمار یا سند، اگر از بستر تاریخی، اجتماعی و سیاسی خود جدا شود، می‌تواند معنایی کاملاً متفاوت پیدا کند. رده‌بندی، نمایه‌سازی، تدوین فراداده،

<sup>1</sup> disinformation

<sup>2</sup> misinformation

<sup>3</sup> malinformation

کتابشناسی‌های موضوعی و هستی‌نگاری‌ها ابزارهایی هستند که کمک می‌کنند اطلاعات از زمینه خود بریده نشود. یکی از نقش‌های مهم متخصصان اطلاعات آن است که مانع تبدیل «قطعه‌ای از واقعیت» به «کل واقعیت» شوند.

چهارم، کتابخانه‌ها و آرشیوها حافظه جمعی‌اند. در جنگ روایت‌ها، حافظه نیز میدان نبرد است. کتابخانه‌ها و آرشیوها با ثبت و حفظ روایت‌ها، اسناد، منابع و شواهد گوناگون، امکان بازیابی و مقایسه روایت‌ها را در طول زمان فراهم می‌کنند. از این جهت، آرشیو فقط انبار اسناد گذشته نیست، بلکه یکی از ابزارهای دفاع از حافظه جمعی است.

در روزگار ما، بخش مهمی از حافظه جمعی دیگر فقط در کتاب و سند کاغذی شکل نمی‌گیرد، بلکه در وبسایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی، پایگاه‌های خبری، تصاویر، ویدئوها و داده‌های دیجیتال ساخته و منتشر می‌شود. از این رو، ایجاد و تقویت پروژة ملی آرشیو وب و یا حافظه ملی دیجیتال (حمد) ضرورتی حرفه‌ای و ملی است. اگر روایت‌های دیجیتال، خبرها، اسناد برخط و واکنش‌های اجتماعی به موقع گردآوری، حفظ و سازماندهی نشوند، بخش بزرگی از حافظه معاصر جامعه از میان می‌رود یا بعدها فقط از مسیر روایت‌های گزینشی و دستکاری‌شده قابل دسترسی خواهد بود.

پنجم، اخلاق حرفه‌ای است. برخلاف بسیاری از بازیگران جنگ روایت‌ها، کتابداران و متخصصان علم اطلاعات متعهد به اصولی مانند بی‌طرفی، دسترسی آزاد به اطلاعات، امانت‌داری، تنوع دیدگاه‌ها و احترام به حق دانستن هستند. البته بی‌طرفی حرفه‌ای به معنای بی‌تفاوتی در برابر تحریف نیست. کتابدار نمی‌تواند نسبت به جعل، حذف زمینه، دستکاری منبع یا سلطه یک روایت ناعادلانه بی‌اعتنا باشد. بی‌طرفی در اینجا یعنی فراهم کردن امکان دسترسی منصفانه به منابع متنوع و کمک به مخاطب برای سنجش و مقایسه روایت‌ها، نه تبدیل شدن به ابزار یک روایت خاص.

ششم، طراحی نظام‌های بازیابی اطلاعات است. در عصر داده‌های کلان و هوش مصنوعی، مسئله فقط این نیست که اطلاعاتی وجود دارد یا نه؛ مسئله این است که کدام اطلاعات دیده می‌شود، کدام روایت در صدر نتایج قرار می‌گیرد و کدام منبع در حاشیه می‌ماند. متخصصان علم اطلاعات در طراحی فراداده، نمایه‌سازی، هستی‌نگاری‌ها، سامان‌دهی منابع، ایجاد داده‌های پیوندی و نظام‌های جست‌وجو نقش دارند. با ورود هوش مصنوعی به عرصه

تولید، بازیابی و توزیع اطلاعات، این نقش برجسته‌تر و حساس‌تر نیز می‌شود. هوش مصنوعی، با تولید و تحلیل هوشمند روایت‌ها و هدف‌گیری دقیق مخاطبان، قدرت و اثربخشی جنگ روایت‌ها را به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد.

هفتم، مقابله با سلطه روایت‌هاست. گاهی یک روایت، نه به‌دلیل درستی بیشتر، بلکه به‌دلیل قدرت رسانه‌ای، سیاسی، اقتصادی یا الگوریتمی، به‌طور ناعادلانه غالب می‌شود. در چنین وضعی، نقش کتابداران و متخصصان علم اطلاعات، جایگزین کردن یک روایت مسلط با روایت مسلط دیگر نیست؛ بلکه فراهم کردن امکان دیده شدن صداهای کمتر شنیده‌شده، حفظ تنوع اطلاعاتی و جلوگیری از تک‌روایتی شدن فضای عمومی است.

نتیجه آنکه کتابداران و متخصصان علم اطلاعات وظیفه تولید روایت تبلیغاتی ندارند، اما در زیرساخت شناختی جنگ روایت‌ها نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کنند. اگر رسانه‌ها روایت می‌سازند، متخصصان علم اطلاعات فرایند ارزیابی، سازماندهی، زمینه‌سازی، بازیابی و دسترسی را شکل می‌دهند و زمینه ارزیابی و مقایسه عادلانه میان روایت‌ها را فراهم می‌آورند.

از این رو، ورود آنان به بحث جنگ روایت‌ها خروج از قلمرو حرفه‌ای کتابداری و علم اطلاعات نیست؛ بلکه بخشی از مسئولیت حرفه‌ای آنان در جهانی است که معنا، ادراک و حافظه جمعی نیز به میدان نبرد تبدیل شده است. کتابخانه‌ها، آرشیوها، گروه‌های علم اطلاعات، انجمن‌های حرفه‌ای و نهادهای آموزشی باید آموزش سواد اطلاعاتی، نقد الگوریتم‌ها، ژئوپولیتیک اطلاعات، حفظ روایت‌های متنوع، طراحی نظام‌های بازیابی شفاف، توسعه آرشیو وب و پاسداری از اخلاق حرفه‌ای را بخشی از مأموریت امروز خود بدانند. در جهانی که روایت‌ها ذهن‌ها را فتح می‌کنند، بی‌عملی مراکز اطلاعاتی نیز نوعی واگذاری میدان است.